

فارس بر حمله عیدری ضرب المصارع خلفت اعطالی
ام شیرک ایچم خلفت شامان اما سابقه سبت حشر
عصبر بر خوف شکری میماند و او است جابر و کز
صفا و کساید چاکه همان حضرت در ساجات مضمون
اللی کتب الخفات همما فرما **و جملت حتی علی ابو کرب**
و این مایه علی عرفا مسموت **ع** کوزر کما حسب خواهد
و این بر عزت روح خواهد بود **از خیر محض خنکوی**
چو شایک مکتب یونجه او بود **و اقطی علی ما یحیی**
بعض بنیه و لظایر لفظ سدری رخ دادن
نعت اوان بنیت نهادن بعض سدا کرد و اگاه
ساخت ایچ عطا کرده است **ع** آن جز از نعت اوان
و سبکی کردن خود **بما ع** الطواف لکر که مار و کوه هم کرد
بر و هم عید است که نام کرد **ک** جان هم شکر این لطف کم
کریای لطف شیش کما کرد **و** شایک مراد از ما داد

در این کتب کتب خواهد بود

آسودگی از پیم عذاب حضرت نبی صفت زلی و هم صفی
عصمت کتبتت علی و مراد از لقا ط احاطه علم و شعور
آن حضرت بخلد و حجم هم چاکه رسید و طوطا در کله کوفت
الطفا کشف عطا پارچ حجاب از چهره نیست و در فرخ
حل کرده و مسموت **و** از نو که مراد آن حضرت آن که مراد از مسموت
و امان خوا با سیده و آگاه کرد سیده در حالی که نام مسم
بسیاری لطف فاضان که از عهده شکلان در آن مد
مخال است و صحرای وسیع اندیشه کنی شکی از مراد آن
شک مجال و لحد اسیر هم حال **ع** جان می تو را بنوام کرد
چپان ترا شما بنوام کرد **ک** بر ترس از زمان خود و مرث
یک شکر تو از مراد بنوام کرد **و کف الکف الشوق عی**
تد و سلطانه لفظ از اسیر با بهیاد گفت
جمع گفت دست **و** بد بدادت و اینجا بد قدر است سلط
نموده کرد بغیر از دست است **و** کپ تمام تصرف بر آن حضرت

کما